

سوژه و سوژه پردازان

سیدحسام‌الدین شریعت‌پناهی*



● توصیه دبیر سرویس گزارش به گزارشگران همیشه این است که بهتر است روی سوژه تکراری با نگرشی تازه کار شود.

جریانند و سیلان دارند و روزنامه‌نگاران (نمایندگان مردم به طور اعم و صاحبان ایده به طور اخص شکارچیان آنها هستند که اگر تیر خود را از گمان در مدت زمان محدود، به سوی هدف رها کنند، شاید دیگر فرصت مناسب دست ندهد». یعنی پس از تصویب لایحه یا برنامه پنجساله، دیگر فرصت برای اعمال اظهار نظرها و ایده‌ها در پدیده مورد نظر، پیش نمی‌آید. مثلاً در مدتی که تهرانیها، شیرازیها، اصفهانیها، باخترانیها و... زیر بمباران موشکهای زمین به زمین قرار داشتند و همه مدرسه‌ها تعطیل شده بودند، مسئله «آموزش و پرورش تلویزیونی» در پناهگاهها مطرح شد. زیرا چند میلیون دانش‌آموز به مدرسه نمی‌رفتند و مسئله آموزش و پرورش آنها امری جدی به شمار می‌آمد. در چنان شرایطی سوژه مناسبتری وجود نداشت. گزارش بمباران شهرها نیز در آن بحبوحه و سوژه‌های نزدیک به آن می‌توانستند موفق و مفید باشند.

خصوصیات سوژه‌پرداز

سوژه بهتر است با شرایط اجتماعی انطباق داشته باشد و مناسب زمان حال انتخاب شود و در عین حال از خصلت تأثیربخشی در اصلاح اوضاع (موضوع مورد نظر) برخوردار باشد. اما چه کسی می‌تواند سوژه‌پرداز خوبی باشد؟ شاید گفته شود کسی که دارای تجربه و سابقه بیشتری در موسسه مطبوعاتی باشد، سوژه‌پرداز خوبی به شمار می‌رود. یا آنکه سوژه‌پرداز خوب کسی است که از قدرت نویسندگی بالایی برخوردار باشد. اما ضمن اینکه موارد فوق را نمی‌توان انکار کرد، بهتر است به خصوصیات زیر برای یک سوژه‌پرداز خوب اشاره کنیم:

- (۱) اطلاعات: سوژه‌پرداز خوب اطلاعاتش گسترده و نو است.
- (۲) حشر و نشر اجتماعی: سوژه‌پرداز خوب فردی منزوی و بریده از واقعیتهای اجتماعی و نیز منفی‌گرا نیست.
- زیرا چنین کسی نمی‌تواند رسالت خلاقیت سوژه‌های مناسب را به دوش کشد.
- (۳) نگرش طولی^(۱): طرز نگرش سوژه‌پرداز به پدیده‌های اجتماعی و اطلاعات محرمانه و غیرمحرمانه‌ای که از آنها دارد، بیشتر طولی است نه عرضی. برای مثال کسی که در داخل تظاهرات اقدام به مشاهده و کشف واقعیتهای می‌کند، تا چند قدمی خود را بیشتر نمی‌تواند ببیند، درحالی که وقتی از بالا به تظاهرات

«سوژه‌پرداز» با انتخاب مناسبترین سوژه و طرح آن در روزنامه و مجله، به رشد و تعالی جامعه کمک بسزایی می‌کند اگر قرار است برنامه پنجساله ظرف مدت معینی نقد شود و سپس به تصویب برسد، سوژه، «کنترل رشد جمعیت» می‌تواند در رسیدن به اهداف مندرج در برنامه پنجساله یاریگر باشد. در واقع کنترل جمعیت از یک جنبه «علت‌المثل» مشکلات مختلف مثل ترافیک، گرانی، عدم تعادل عرضه و تقاضا، آسیبهای اجتماعی و مانند آن می‌باشد. بنابراین اگر در دوره محدود زمانی مورد نظر، روزنامه‌ها یا مجلات روی سوژه‌ای که در ارتباط با برنامه پنجساله است، کار نکنند چه بسا ممکن است ارائه نکته‌های اصلاحی، ترسیمی یا تکمیلی لازم باشد و در برنامه پنجساله گنجانده نشود.

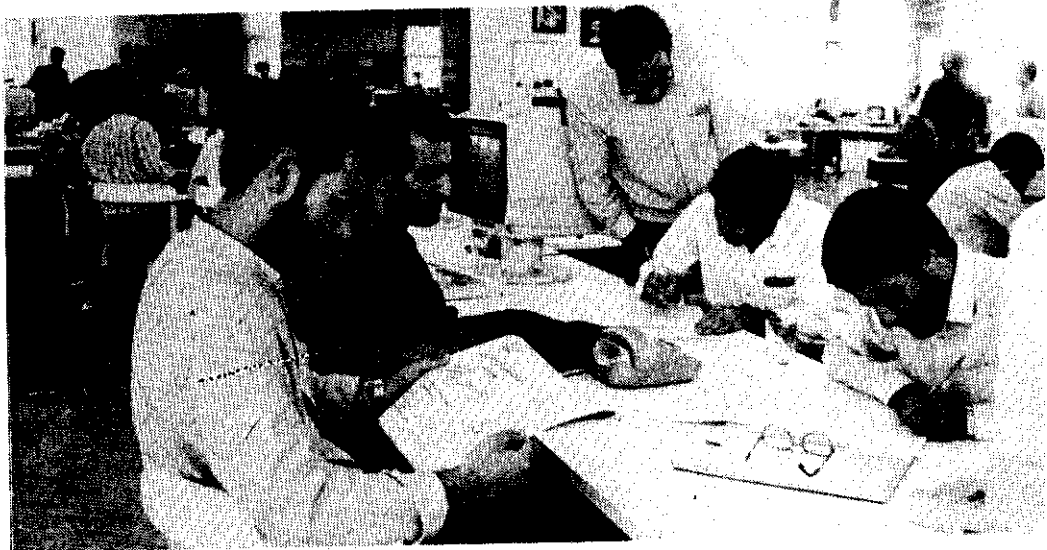
می‌توان گفت: «واقعیتهای اجتماعی مانند پرندگان مهاجر در حال پرواز هستند، یعنی در

اشاره طرح تئوریک مسایل آموزشی در کار خبرنگاری گام موثری در ارتقای کیفی دست‌اندرکاران مطبوعاتی است که تاکنون این صفحه از نشریه بدان پرداخته است. برخی برای عقیده‌مانند که درج تجربیات عملی کسانی که با امور مختلف روزنامه‌نگاری سر و کار دارند، گونه‌های دیگر از کار آموزشی است.

مؤلف این نوشته سعی داشته با استفاده از تجربیات عملی خود به مسئله سوژه و سوژه‌پردازی، سوژه از نظر زمان، نحوه بیان، کیفیت و منابع بپردازد. امید است سایر دست‌اندرکاران و سایر ارتباط جمعی و بخصوص دست‌اندرکاران مطبوعات نیز تجربیات خویش را در اختیار این نشریه قرار دهند.

«رسانه»





نگریسته شود، بسیاری از روابط کشف می‌شود، تعداد جمعیت را می‌توان تخمین زد، سیر حرکت را می‌شود پیش‌بینی کرد و جایگاه رهبر یا رهبران را در بین تظاهرکنندگان می‌توان تشخیص داد... همین نکته‌ها دستگیر سوژه‌پرداز است، چون نگرش طولی (درعین حال نگرش عرضی هم فراموش نمی‌شود) به وی این قدرت را می‌دهد تا از بین پدیده‌های اجتماعی که شبکه‌های یک سیستم اجتماعی را تشکیل می‌دهند، به سراغ آن سوژه‌های برود که کانون تحریک پدیده‌های دیگر (مثل گرانی، کمیابی، احتکار، افزایش ناراحتی‌های روانی، ترافیک، رشوه‌خواری و امثال آن به شمار می‌رود.

۴) جامعه‌شناسی: احاطه سوژه‌پرداز به علوم اجتماعی امری ضروری به نظر می‌رسد. سوژه‌پرداز باید یک جامعه‌شناس باشد، چون قلمرو کار وی جامعه است. علم جامعه‌شناسی به سوژه‌پرداز کمک می‌کند که در تحلیل پدیده‌های اجتماعی به علت‌العللها بیشتر توجه داشته باشد تا به معلولها و علت‌های کاذب.

سوژه‌پردازی که قدرت تحلیل اطلاعات و داده‌ها (واقعیت‌های اجتماعی) را ندارد، بی‌شک دایم به معلولها نظر می‌افکند به

این ترتیب، حتی اگر سوژه‌ای با بهترین بیان عرضه شود، جز برانگیختن احساسات مردم کارایی دیگری ندارد، در نتیجه موجب افسردگی و سردرگمی مردم می‌شود و نمی‌تواند توانایی تشخیص راه‌هایی و نیز برخورد با ایده‌های نو را در آنها ایجاد کند.

۵) آگاهی و اطلاع از روش‌های تحقیق: اگر سوژه‌پرداز از روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی آگاه باشد، بسیاری از سختی‌ها برایش آسان می‌شود و بویژه در جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر در باره یک مصاحبه تحلیل داده‌ها و نظایر آن، موفقیت‌های بزرگی به دست می‌آورد.

۶) استقلال رأی: سوژه‌پرداز مثل همه افراد جامعه، به وسیله خانواده، دوستان،

همکاران، مسئولان و دست‌اندرکاران احاطه شده است. اگر افراد مذکور بدانند که وی نقش تعیین‌کننده‌ای در مؤسسه مطبوعاتی خود دارد، بنا به منافع شخصی، صنفی و طبقاتی خود، یا برداشت و طرز تلقی‌شان، تلاش می‌کنند او را برانگیزانند تا موضوع مورد نظرشان را، در روزنامه یا مجله چاپ کند. کسی که صاحب یا ذینفع در یک مؤسسه قرض‌الحسنه یا شرکت مضاربه‌ای است، سوژه‌پرداز را آماده می‌کند که در باره مفید بودن قرض‌الحسنه‌ها یا شرکت‌های مضاربه‌ای گزارشی تهیه کند. همسر سوژه‌پرداز، وقتی می‌بیند راننده تاکسی با وی رفتار ناخوشایندی دارد، به او چنین القای کند که باید از وضعیت نامطلوب تاکسی‌ها گزارشی تهیه کرد.

آیا سوژه‌پرداز باید در مقابل این ابراز نظرها و محرک‌ها، خنثی برخورد کند یا تحت تأثیر آنها قرار بگیرد؟

بی‌شک سوژه‌پردازی موفق است که «استقلال رأی» داشته باشد، البته دارنده شرایط قبلی، بی‌شک این خصلت را هم دارد. اما «استقلال رأی» به این مفهوم نیست که وی باید فردی خود رأی و مستبد باشد و نظر خود را خدشه‌ناپذیر تلقی کند. بلکه شنیدن نظرات مردم - از هر قشر و گروه اجتماعی که باشند - بسیار لازم است. اما سوژه‌پرداز بهتر است از این نظرها در جهت یک «تحلیل اجتماعی واقعگرایانه» بهره بگیرد تا روی مناسبترین سوژه کار شود.

۷) تقوای حرفه‌ای: سوژه‌پردازی که زندگی خود را وقف به انجام رساندن یک رسالت اجتماعی کرده است و مصالح جامعه را مقدم بر آمل و آرزوهای شخصی صنفی و طبقاتی می‌داند، کمتر ممکن است خود را بی‌بازد یا حقد و حسادت و کینه و خشم بر او مستولی شود، چنین فردی وقتی که در تجربه شخصی با ناملایماتی برخورد می‌کند، سعی ندارد بدون تأمل و تعقل و تحقیق، آن را «سوژه فوری»

کرده و به گزارشگر دهد تا خیلی زود چاپ شود. در واقع سوژه پرداز از این بعد منافع فردی - حتی صنفی - خود را فدای مصالح و منافع اجتماعی می‌کند.

• طبقه بندی سوژه‌های گزارشی
سوژه‌ها را می‌توان از ابعاد مختلف طبقه بندی کرد:

۱) سوژه از نظر زمان

الف سوژه‌های فوری: سوژه‌هایی هستند که عدم طرح آن در روزنامه یا مجله موجب عصبانیت و انتقاد آشکار خوانندگان می‌شود. مانند زمانی که زلزله‌ای در نقطه‌ای از کشور رخ می‌دهد یا کشور در آستانه یک فراندوم بزرگ قرار می‌گیرد یا شهرها مورد حمله موشکی قرار می‌گیرند، یا موقعی که سال تحصیلی آغاز می‌شود.

ب- سوژه‌های کم فوری: اما ضروری: سوژه‌هایی هستند که اگر گزارش آن در صفحه‌های آینده روزنامه یا مجله جانگیرد، در کمک به توسعه روند یک «حرکت اجتماعی» (مثل کنترل جمعیت، مبارزه با مواد مخدر) نقشی ایفا نمی‌کند، ضمن آنکه در هشیار کردن اضطرابی دست‌اندرکاران و مردم نسبت به مسئله مورد نظر گامی بر نمی‌دارد. برای مثال وقتی موارد کلاهبرداری در شرکت‌های مضاربه‌ای زیاد می‌شود و هجوم مردم برای سپرده گذاری در این شرکت‌ها افزایش می‌یابد، تهیه گزارش‌های افشاگرانه در این زمینه می‌تواند هم دست‌اندرکاران امنیتی، قضایی و اقتصادی و سیاسی را متوجه خطر کند و هم مردم را در جریان امر قرار دهد.

ج سوژه‌های عادی: این سوژه‌ها را به غیر از زمانهای فوق، در هر زمان دیگر می‌توان در روزنامه یا مجله عنوان کرد.

۲- سوژه از نظر نحوه بیان

الف سوژه‌های احساسی: در دل‌های سالخوردگان سرای سالمندان، مشکلات روحی کودکان بی‌سرپرست، قربانیان زلزله، وسیل،

● نگرش طولی به سوژه پرداز
این قدرت را می دهد تا از بین پدیده های اجتماعی که شبکه های یک سیستم اجتماعی را تشکیل می دهند، به سراغ سوژه های برود که کانون پدیده های دیگر به شمار می رود.

● سوژه پرداز بهتر است از نظرها در جهت یک «تحلیل اجتماعی واقعگرایانه» بهره بگیرد.

آثار روانی حمله های موشکی و نظایر آن بیشتر به شیوای عاطفی احساسی نوشته می شوند. در این سوژه ها هدف برانگیختن و کانالیزه کردن عواطف انسانی مردم در جهت اهداف مورد نظر است.

ب سوژه های عقلانی و تحقیقی: گزارشهای «استراتژی توسعه اقتصادی»، «مالیات بردارآمد»، «وضعیت نقدینگی»، «بازار بورس»، «طراحی صنعتی و خودکفایی»، «کنترل جمعیت»، «لوايح مورد بحث مجلس شورای اسلامی» و امثال آن، تاحد زیادی با استفاده از آمار و ارقام، تحلیل و تحلیل شده و در روزنامه و مجله مطرح می شوند.

ج سوژه های احساسی و عقلانی تحقیقی: بعضی از گزارشها را، هم می توان از طریق احساسی (با طرح فضای عاطفی و استفاده از واژه های احساس برانگیز) و هم با اشاره به آمارها و علت یابی پدیده و ارزیابی کارشناسان از «پدیده» و نظیر...

خواهی از مردم، تهیه کرد. برای مثال سوژه «معتادان و مواد مخدر»، «مشکل بیکاری»، «اوقات فراغت جوانان و نوجوانان» و... البته به طور دقیق نمی توان روشن کرد که تم یا آهنگ گزارش الف یا گزارش ب حتماً بایستی احساسی، یا صد درصد عقلانی باشد. اما تفکیک موضوعات مورد نظری که می خواهیم در باره آن گزارشی تهیه کنیم، موجب می شود که قدمی در جهت روانشناسی خوانندگان برداریم و به این ترتیب، بهترین استراتژی را در طرح مطلوب سوژه ها پیش گیریم.

۳) سوژه از نظر کیفیت

الف سوژه های نو و بدیع: اصولاً مردم از گزارشهایی که برای نخستین بار با آن در روزنامه یا مجله، مورد علاقه شان برخوردار می کنند بسیار خرسند می شوند. برای مثال، در حال حاضر سوژه «چگونه خود روی ملی داشته

باشیم»، «کنکاشی- در روابط اجتماعی مردم»، «گزارشی از یک روز زندگی در پناهگاههای اجتماعی»، «خردسازان معتاد» و «سوء استفاده های مالی» صرف نظر از محتوای گزارش، جذابند و خوانندگان را به خود جلب می کنند.

ب سوژه های تکراری: «گزارش از اولین روز مدرسه»، «مشکلات دانشجویان»، «کمبود و نایابی دارو»، «اوقات فراغت نوجوانان»، «بیکاری»، «وضعیت بیمارستانها»، «گرانی»، «بورورکراسی» و مانند آن به طور چرخشی و فصلی در روزنامه ها یا مجلات مطرح می شوند. یعنی هر سال، گزارشی در باره آنها تهیه می شود و خواننده هم البته بی نیاز از آن نیست.

ج سوژه های تکراری با قالب نو: توصیه دبیر سرویس گزارش به گزارشگران همیشه این است که بهتر است روی سوژه تکراری با نگرشی تازه کار شود و از نگاهی فرای عادت، مشاهده و مصاحبه ... شود. اما معمولاً اگر چه «روتیتر» گزارش جمله «نگاهی تازه به...» است، اما محتوا همان چیزی است که قبلاً به چاپ رسیده است.

البته برای نو کردن قالب سوژه، بهتر است گزارشگر عینک «عادی دیدن» را از چشم خود بردارد. سپس از افکار و عقاید قالبی دوری کند. به طور مثال، در سوژه «کمبود دارو»، جمع کردن چند مصاحبه و گردآوری آمار در باره شکاف بین عرضه و تقاضا معمول بوده، بهتر است، فکر جا افتاده «کمبود دارو» را مورد شک و تردید قرار داد. و اگر مصرف بالای دارو و عادت نامعقول و گزاف مردم به شیمی درمانی واقعیت دارد، آنرا به عنوان کانون و محور اصلی گزارش برگزید.

آنچه که می تواند به سوژه ها کهنه و تکراری (در عین حال ضروری برای طرح) تازگی و جوانی بدهد، این است که گزارشگر با «رعایت احتیاط»، اصول متعارف و پذیرفته شده را مورد شک قرار دهد. و در صورت کسب موفقیت های اولیه که با تحقیق و بررسی صورت می گیرد، گزارش را تهیه کند. باید به خاطر سپرد که این کار بسیار حساس و ظریف است.

یکی از استادان دانشگاه در زمینه نوگرایی و خلاقیت، معتقد است: «بهترین عامل بازدارنده خلاقیت، عادات پیشین ذهن است. عامل دیگر مقاومت در برابر یافتن راه خلهای تازه است. ایده های تازه همیشه باعث مقاومت می شود و ایجاد ناباوری می کند، در نتیجه فکر خلاق همیشه با تمسخر و ناباوری محیط مواجه می شود و در نتیجه فرد خلاق، اعتماد به نفس خود را از دست می دهد و ایده در نطفه خفه می شود. عامل دیگر میل به هم رنگی با جماعت است که باعث می شود فکر خلاق رشد نکند.» (۳)

۴) سوژه از نظر منابع

الف- منابع خاص: منبع دریافت اطلاعات

مربوط به بعضی از سوژه ها، افراد خاص از قبیل کارشناسان و دست اندر کاران می باشند. وقتی که قرار است درباره «بودجه پیشنهادی دولت»، «رابطه نقدینگی و تورم» گزارشی تهیه شود گزارشگر نمی تواند اطلاعات تخصصی گزارش خود را از عوام و از مردم کوچه و بازار به دست آورد. به همین خاطر، او به کارشناسان اقتصادی، استادان دانشگاهها یا دست اندر کاران نهادهای اقتصادی مراجعه می کند. البته باید به خاطر سپرد که در یک روزنامه یا مجله می توان از منابع تخصصی دم دست مثل کارشناسان سرویس اقتصادی نیز استفاده کرد تا از فرصتها بهره برد و خلاء زمانی را (تا اولین مصاحبه مشاهده و بازدید) کرد.

ب- منابع عام: سوژه هایی که منبع اخذ اطلاعات آن عموم مردم هستند. مثلاً مشکلات حمل و نقل درون شهری، بیکاری، آلودگی هوا، مشکلات درمانی و گرانی میوه گریبانگیر اغلب افراد جامعه هستند. و هر کس می تواند در مورد آن اطلاعاتی را در اختیار گزارشگر قرار بدهد.

○ واقعیت + آرمان (ایده ها)

واقعیت ۱: دانش آموزی که در شیفت چهارم مدرسه دولتی منطقه ۱۹ تهران محصل است، مشکلی برای خانم معلم دلسوزش به شمار می آید. طبق گزارش خانم معلم که خود چهارم زرد و زار دارد، دخترک در خانواده ای فقیر زندگی می کند. فرش خانه شان، روزنامه های به نم نشسته ای که با سلیقه زنانه ای کف اتاق پهن شده اند. وی مبتلا به بیماری سل است. و مادرش بیومزنی است که کوهن کالاهای اساسی را فروخته تا برای او دفترچه و کتاب و کیف و مداد بخرد. وضع درسی این دانش آموز



هم چندان رضایتبخش نیست. بجههای این مدرسه عموماً گرفتار چنین وضعیتی هستند. واقعیت ۲: دانش آموزی در مدرسه‌ای یک‌شیفته و غیر انتفاعی داخل آسایشگاه مدرسه، کیف سانسونتش را باز کرده و مشغول خوردن موز درشت و گوشتی است. پس از استراحت زنگ که می‌خورد، به آزمایشگاه شیمی می‌رود. با دقت و تمرکز حواس به توضیحات معلم شیمی گوش می‌دهد و به «لام»ها و موادی که درون آنها تحول می‌یابند، توجه می‌کند. زنگ آخر هم زده می‌شود و او همراه با بقیه به درون سرویسی که دم در مدرسه منتظر آنهاست، وارد می‌شود و به خانه باز می‌گردد.

دو مثال بالا را به خاطر بسپارید تا بعداً در باره آنها توضیحاتی بدهیم.

اگر بپذیریم که گزارشگر باید به‌طور طولی، بر واقعیتها نظر انداخته و آنها را مورد مشاهده و ارزیابی قرار دهد، آنگاه گنجاندن «ایده» و «آرمان» در گزارش اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌نماید.

وقتی می‌خواهیم در باره بوروکراسی گزارشی تهیه کنیم، یا صفحه گزارش روز را می‌خواهیم به فعالیت سرمایه‌گذاری بانکها اختصاص دهیم، آمادامیم که سوژه مدیریت، بازدهی نیروی کار، نظام آموزش و پرورش، واردات و صادرات را در زمان مناسب و موقعیت اجتماعی بپروانیم و به خوانندگان ارائه دهیم، گزارشگر برای تحقیق و گردآوری اطلاعات، در باره هر کدام از این سوژه‌ها چگونه می‌خواهد اقدام واقعیت را شکافته و اجزا و عناصر یک پدیده را با ابزار تحقیق خود بررسی کند. آیا گزارشگری که سالها با نظام بوروکراسی کشور حشر و نشر داشته است، می‌تواند پرداختی نوین به آنچه که برایش - تقریباً عادی است، بدهد؟ بنابراین همچنان که قبلاً هم اشاره شد، اولین مشکل در راه بازسازی واقعیتهای اجتماعی و پیوند زدن تحلیلهای کارشناسان، مردم و مدیران

کشور (که بیشتر اوقات متناقض و متضادند)، این است که گزارشگر به «تابعیت از جماعت» هر مقوله‌ای را که می‌بیند، می‌گوید: «این که عادی است، همه می‌دانند».

در حالی که اگر گزارشگری سه‌ماه در یک کشور دیگر به سر ببرد و نظم اداری و بوروکراسی آن کشور را برخلاف کشور خود ببیند، دیگر گزارشگر در تهیه گزارشی در باره بوروکراسی موجود کشور هم‌چیز را «عادی» یا «بهنجار» نمی‌بیند چون وی نظم عالیتری را مشاهده و لمس کرده است.

بنابراین نظم عالیتر برای وی یک «آرمان» است و از این‌رو به دنبال ایده‌هایی می‌گردد که بتواند گزارش را به سمت و سویی ببرد که بوروکراسی موجود کشور را متحول و آرمانی کند. اما آیا می‌توان اطمینان حاصل کرد که آن نظم عالیتر در کشور قابل ارائه باشد؟ از سویی برای جلوگیری از «واقعیت‌زدگی» (غرق در واقعیت شدن) ضروری است تا «ایده»ها و «آرمان»ها جایی در گزارش باز کنند. در واقع پرداختن به ایده‌های (آرمان) قابل دسترس و در آمیختن آن با واقعیتهای اجتماعی به گزارش «خاصیت» می‌بخشد. اما از دیگر سوی، ایده و آرمان کامل کننده یکدیگرند. اگر یکی از آنها نباشد، مفهوم دیگری زیر سؤال می‌رود.

ایده‌ها، پیشنهادات جزئی مشخصی هستند که در تحول تغییر و اصلاح یک واقعیت، می‌توانند موثر باشند. ایده‌ها طرح ذهنی یا افکار نوینی هستند که در پروسه ترقی و تکامل یک پدیده و رفع نقطه ضعفها (در صورت اجرا) دخل و تصرف دارند. آلن بیرو جامعه‌شناس معتقد است «آرمان در هر زمینه آنچه را که کامل شمرده می‌شود، می‌رساند و به گونه‌ای نمونه و خاص در درون مجموعه‌های معین اطلاق می‌شود. باتوجه به این محتواس که به اصطلاح آرمان، برای مشخص ساختن هر نما یا مدلی که هدف یا مرجع عمل شناخته می‌شود و به این عنوان به کار می‌آید، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

● سوژه‌پردازی که قدرت تحلیل اطلاعات و داده‌ها (واقعیتهای اجتماعی) را ندارد، بی‌شک دایم به معلولها نظر می‌افکند. به این ترتیب، حتی اگر سوژه‌ای با بهترین بیان عرضه شود جز برانگیختن احساسات مردم کارایی دیگری ندارد، در نتیجه موجب افسردگی و سردرگمی مردم می‌شود.

● سوژه‌پردازی موفق است که استقلال رأی داشته باشد.



در جامعه، آرمان اجتماعی، یعنی تصویری از یک نظم فرهنگی، اجتماعی سیاسی و... که اکثریت مردم در تنظیم رفتار خویش آن را به عنوان مرجع می‌شناسد و در اندیشه آن مردم، چنین تصویری از یک نظم عالی همچون داده‌های عادی تجلی نمی‌کند، بلکه به عنوان گونه‌ای نمونه و خاص در ذهن متبادر می‌گردد» (۳) بی‌شک این گزارشگر نیست که ایده‌ها و آرمان را می‌سازد و تحویل خواننده می‌دهد، بلکه حاملان واقعیت یا بازیگران طبیعی هر پدیده اجتماعی، از پس سالها تجربه، قادرند ایده‌هایشان را - برای یک نظم عالیتر - به گزارشگران ارائه دهند تاوی آنها را بپردازد و در شکلی وحدت یافته مطرح کند.



● خصوصیات سوژه‌پرداز ۱ اطلاعات ۲. حشرونشر اجتماعی ۳. نگرش طولی ۴. جامعه‌شناسی ۵. آگاهی و اطلاع از روشهای تحقیق ۶. استقلال رأی ۷. تقوای حرفه‌ای

درسوزه «بررسی بازدهی آموزشی معلمان» گزارشگر بایک واقعیت برخورد می‌کند که تأثیر بسزایی در بازدهی آموزش کار معلم دارد. اگر گزارشگر دریابد که فقدان مسکن و اضطراب و اجاره‌نشینی عامل پایین آورنده بازدهی کار معلمان است، می‌تواند پدیده‌شناسی کشف و شهود مصاحبه‌های خود را بر مسئله متمرکز کند و ضمن منظم کردن واقعیت‌های درهم ریخته «آیدیه‌یابی» کند. بی‌شک معلمان، مربیان، مدیران، کارشناسان آموزشی، استادان دانشگاه، اولیای دانش‌آموزان و حتی خود دانش‌آموزان می‌توانند هر کدام ایده‌های بدهند.

ایده‌های زیر را می‌توان مثال زد:

ایده ۱: دولت زمین در اختیار تعاونی مسکن فرهنگیان بگذارد تا امر خانه‌سازی معلمان تسهیل شود.

ایده ۲: از طریق مشارکتهای مردمی و با کمک دولت برای معلمان خانه ساخته شود.

ایده ۳: به منظور کاهش اضطراب اجاره‌نشینی صاحب‌خانه‌هایی که خانه‌هایشان را با قیمت ارزان و تسهیلات بهتر و بیشتر در اختیار معلمان قرار می‌دهند، از امتیازات اجتماعی و بعضی از معافیت‌های گمرکی و مالیاتی برخوردار شوند.

ایده ۴: به منظور کاهش اضطراب اجاره‌نشینی و فشار صاحب‌خانه‌ها به ۱۰ نفر از صاحب‌خانه‌هایی که اجاره‌بهای کمتر و رفتار ملایمتر با مستاجران (معلم) خود داشته‌اند، جایزه‌هایی مانند سکه و طلا، سفر سیاحتی، مصاحبه در تلویزیون و... اهدا شود.

ایده ۵: بانکها به معلمان تا سقف ۲ میلیون تومان وام خرید مسکن اعطا کنند.

ایده ۶: درصد مشخصی از درآمد نفتی سالانه کشور برای امر مسکن معلمان اختصاص یابد.

آرمان: معلم با آسودگی خاطر و خارج از دغدغه مسکن سر کلاس درس حاضر شود و با خیال آسوده به تعلیم و تربیت دانش‌آموزان بپردازد.

بنابراین برای دستیابی به آرمان یاد شده در

گزارش می‌توان در کنار بیان واقعیتها، چند «ایده» را مطرح کرد که در نهایت حرکتی اجتماعی در جامعه ایجاد کند.

لازم به اشاره است که همیشه نباید ایده را به عنوان بخشی مستقل از واقعیت آورد. شیوه نظریتر این است که دو واقعیت به نحوی استادانه باهم مقایسه شوند. درون دو واقعیت متضاد، ایده‌ها و آرمان نهفتند. حالا نگاهی به دو مثالی که در ابتدای بحث واقعیت-آرمان زدیم، می‌اندازیم. واقعیت ۱- دانش‌آموزی را در خانواده فقیر، در مدرسه پایین شهر و چهار شیفتهی نشان می‌دهد و واقعیت ۲ مدرسه یک شیفتهای را با دانش‌آموزان مرفه و نیمه مرفه نشان می‌دهد. حاصلی که گزارش دارد، در برگیرنده «ایده»هایی است که بالاخره یک «مدرسه آرمانی» را عنوان می‌کند: مدرسه‌ای که یک شیفته است (ایده)، از آزمایشگاه فعال فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی برخوردار است (ایده)، محل استراحت برای دانش‌آموزان دارد (ایده) و دانش‌آموزانی که از لحاظ تغذیه، سرویس و... در رفاه هستند (ایده). در نتیجه ۹۰ تا ۹۵ درصد دانش‌آموزان قبول می‌شوند (واقعیت-آرمان). در حالی که در مدرسه چهار شیفته (واقعیت) افت تحصیلی میزان بالایی دارد. هر کدام از پدیده‌هایی که با پدیده‌های متضادشان مقابله و مقایسه می‌شوند، در ذهن خواننده ایده‌هایی را می‌پروراند. لذا آرمان ما مدرسه‌ای می‌شود یک شیفته دارای آزمایشگاه، زمین ورزش، معلمان ورزشی-مدرسه، دانش‌آموزان مرفه و... پس بی‌آنکه

بخواهیم «میان تیزی» با حروف ۱۶ سانت بسزنییم و پیشنهادات را در آن بگنجانیم، خود به‌خود در طول مصاحبه‌ها، توصیفها و بیان واقعیتها و مقایسه بین پدیده‌ها، آن نظم عالی از پدیده مورد بررسی ارائه می‌شود.



پانوشتها
۱) نگرش طولی به یک پدیده، نگرشی است که از بالا به پایین انجام می‌گیرد. و پدیده را در یک مجموعه و نظام در رابطه با پدیده‌های اجتماعی دیگر مورد بررسی قرار می‌دهد.
۲) قسمتی از سخنرانی دکتر علی اسدی در سمینار چگونگی ایجاد محیط خلاق در واحدهای تولیدی (۶۹/۶۷).
۳) فرهنگ علوم اجتماعی، آن‌پرو، ترجمه باقر ساروخانی، مؤسسه کیهان، ۱۳۶۷، ص ۱۶۶.

● سید حسام‌الدین شریعت‌پناهی روزنامه‌نگار و فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد علوم اجتماعی است.